

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ اکتوبر ۲۰۱۸

## کمکهای متقابل بین "غنی احمدزی" و "طالب"

پنجشنبه- ۲۶ میزان ۱۳۹۷- کابل: دیروز قومندان "جبارقهرمان"، امروز قومندان "رازق"، فردا کدام یک از رقباء و مخالفان "غنی احمدزی"؟؟

جهت پاسخ بدین سؤال توجه شما را به نکات آتی جلب می نمایم:

۱- در این تحلیل وقتی از کشته شدن افرادی چون "جبارقهرمان" و قومندان "رازق" نام برده می شود به هیچ صورت بدان معنا نیست که گویا این قلم مستقیماً و یا تلویحاً به حمایت و تأیید آنها پرداخته ام. زیرا به نظر من هر دو نفر در جمع جنایتکاران و خاینان به کشور به شمار رفته، برای اثبات خیانت آنها همین بس که در طی هفده سال در رکاب امپریالیسم اشغالگر به قصابی مردم اشتغال داشتند.

۲- بر هیچ کسی پوشیده نیست که "غنی احمدزی" نخستین گامهایش را در جهت ترقی، در زمان "حامدکرزی" به گفته خودش با رفع اشتباهات کنفرانس "بن" که باعث خصومت بین امریکا و "طالب" گردید، از طریق رها کردن زندانیان "طالب" از تمام زندانهای افغانستان برداشت.

از آن زمان به بعد چه قبل از انتصاب به کرسی ریاست جمهوری و چه هم بعد از آن، وی علاوه بر آن که درب زندانها را بر روی جنایتکاران "طالب" به بهانه های مختلف باز نمود به استناد اسنادی که رسانه ها انعکاس یافته، ظرف ۴ سال بیش از ۵۰۰ میلیون دالر از بودجه دولت افغانستان به طالب، به بهانه های مختلف کمک مالی رسانیده است.

اینها تمام کمکهای "غنی احمدزی" به طالب نیست، بلکه کمکها گستره بیشتری دارد، که می شود گفت از تسلیح غیر مستقیم آنها گرفته، تا زیر فشار قرار دادن دشمنان و مخالفان طالب از موضع دولت نشانده را نیز شامل می گردد.

۳- تجربه نشان داده که این رابطه و این کمکها جاده یک طرفه نبوده، طالب هم در وقت و زمانش و آنجائی که "غنی احمدزی" به حمایت سیاسی یا نظامی نیاز داشته به مثابه دژخیمان پنهان وارد میدان شده از کمک به وی دریغ نورزیده است.

یکی از این موارد کمک طالب و برادر تنی آن "داعش" به "غنی احمدزی"، کشتن مخالفان شخصی وی به بهانه ترور و عملیات انتحاری بوده و است. اگر به کشتار جنبش روشنائی و جنبش رستاخیز که به وسیله متحدین "غنی احمدزی" علیه مخالفان حاکمیتش صورت گرفت، به حساب گذشت زمان توقف ننمائیم، این دو قتل اخیر در مورد دو تن از

مخالفتان علنی "غنی احمدزی"، که زبان دراز داشتند، روشنتر از آن است که بتوان منکر نقش شخص "غنی احمدزی" و باندش به خصوص "معصوم ستانکزی" در قبال قضایا گردید.

۴- هم "جبار قهرمان" و هم قومندان "رازق" از جمع افراد پشتونی بودند که در کنفرانس قندهار نه تنها اشتراک داشتند بلکه از گردانندگان آن به شمار می رفتند. کنفرانسی که هدف از تدویر آن رسیدن به یک اجماع بین زورمندان به منظور از قدرت به زیر کشیدن "غنی احمدزی" بود. از آن تاریخ به بعد جنگ زبانی علنی و توطئه های متقابل بین آنها حتا یک لحظه هم متوقف نشده بود. در حالی که "غنی احمدزی" تلاش می نمود تا در پناه حمایت اشغالگران امریکائی قومندان "رازق" را برطرف و "جبار قهرمان" را از میدان سیاست "ناک اوت" کند، آنها تلاش داشتند تا از طریق نفوذ مستقیم در انتخابات کذائی، هر دو ولایت همجوار یعنی هلمند و قندهار را که عمدتاً باشندگان آن را شاخه های اقوام "درانی" تشکیل می دهند، به پایگاه ضد "غنی احمدزی" مبدل بسازند.

۵- در چنین فضائی است که در کمتر از ۲۴ ساعت، هر دو حریف نیرومند و مخالف "غنی احمدزی" گویا به وسیله "طالب" به قتل می رسند. اولی در دوصد متری دفتر والی هلمند یعنی منطقه امن دولتی و دومی در داخل عمارت ولایت قندهار.

۶- اگر چنین عملیاتی را نتوان کمک متقابل "غنی احمدزی" و "طالب" نام گذاشت نمی دانم می باید آن را چه نامید. ظرف ۴ سال حاکمیت "غنی احمدزی"، با آن که "احمدزی" ها و "ستانکزی" ها مانند مور و ملخ از در و دیوار ادارات دولتی و رسانه ها بالا می روند، طالب یکی از آنها را ترور ننموده، مگر تا کسی صدای مخالفت با دولت دست نشانده و شخص "غنی احمدزی" را بلند نماید، آن شخص توسط طالب و یا داعش ترور می گردد. این دیگر یک معما نیست که مردم ندانند، این یک تقسیم وظایف آشکار بین "باندراگ" و "طالب" و "داعش" است که می باید متقابلاً به حمایت همدیگر پردازند.

۷- در آخرین دقایق وقتی می خواستم این نوشته را قبل از ارسال، بار دیگر بخوانم، رسانه ها اعلام داشتند که "غنی احمدزی" بعد از یک سکوت ۴ ساعته در قبال حادثه اعلام داشت که جهت بررسی قضیه، "معصوم ستانکزی" را به مثابه سرپرست هیأت به قندهار فرستاده است.

"معصوم ستانکزی" شریک تمام جرایم و جنایات "غنی احمدزی" است. "غنی احمدزی" نامبرده را به غرض روشن شدن قضایا نفرستاده است بلکه به منظور از بین بردن مدارک و اسناد به جای مانده و یا به عبارت مردم ما "از بین بردن پل پای تروریستان" به آن ولایت فرستاده است.

براقوام و خانواده های "جبار قهرمان" و قومندان "رازق" است که اگر به خون دو عضو فامیل شان حرمت قابل هستند، به مثابه اولین عکس العمل با تکیه بر نیروهای نظامی که فعلاً از آن برخوردار و فردا آن را از دست خواهند داد، "معصوم ستانکزی" را دستگیر و تحت بازپرسی قرار بدهند و به وی این امکان را فراهم نسازند تا اسناد و مدارک همکاری متقابل بین دولت دست نشانده و طالب را از بین ببرد.

هموطنان گرامی!

"غنی احمدزی" با کشتن "جبار قهرمان" و "قومندان رازق" جنگ قومی بین شاخه های قوم پشتون را مجدداً شعله ور ساخت، اگر نمی خواهیم شاهد ریخته شدن خون هموطنان ما باشیم، باید متحدانه تلاش بورزیم تا به این حاکمیت مزدور و وابسته حتا یک روز بیشتر مهلت بقاء ندهیم.

**سرکها ما را می طلبد!!**